

۵ آبان ۱۳۹۷ - شماره: ۱۰۰

مقاله ها

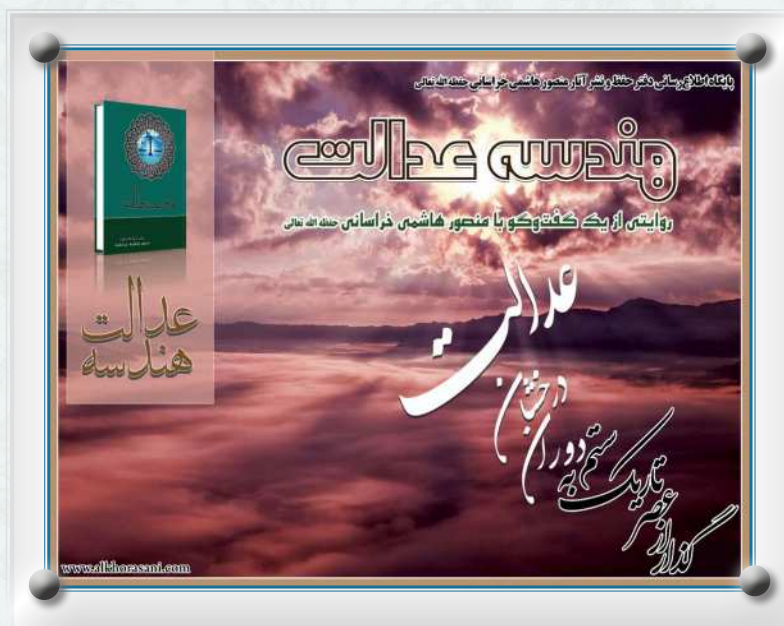
پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

نگاهی به کتاب «هندسه عدالت» اثر علامه
منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

نویسنده مقاله:
دکتر کریم محمدزاده

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و
لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



نگاهی به کتاب «هندسه عدالت» اثر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

دکتر کریم محمدزاده

به فضل خداوند مهربان و زحمات بی دریغ بندگان صالحش در دفتر حفظ و نشر آثار حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، کتاب شریف «هندسه‌ی عدالت» با وجود کارشکنی‌ها و موانع فراوانی که دشمنان حضرت مهدی علیه السلام ایجاد می‌کردند، به زیور طبع آراسته شد و در میان مسلمانان انتشار یافت. انتشار این کتاب شریف، قدمی بسیار مهم در جهت زمینه‌سازی نظری و عملی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین و تحقق حاکمیت ایشان است و نقطه‌ی عطفی در این مسیر نورانی و مقدس محسوب می‌شود. پرداختن به ویژگی‌ها و زوایای مختلف این کتاب نورانی و شگفت‌انگیز که تنها در هفتاد و چند صفحه، عمیق‌ترین و دقیق‌ترین معارف فطری و اسلامی را بیان می‌فرماید البته زمانی واسع می‌طلبد، اما می‌کوشیم در سلسله مقالاتی به بیان برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب شریف و ارزشمند و توضیحاتی پیرامون آن بپردازیم، باشد که مورد استفاده‌ی حق‌طلبان قرار گیرد.

در این نوشتار به بیان برخی از ویژگی‌های کتاب شریف هندسه‌ی عدالت به صورت فهرست‌وار می‌پردازیم:

۱. شیوهی نگارش و تنظیم کتاب

شیوهی نگارش و تنظیم این کتاب شریف به صورت دیالوگ، مکالمه و مصاحبه‌ای با حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که شیوه‌ای بسیار جذاب‌تر و قابل فهم‌تر از نوشتارهای یک‌سویه است. این شیوه در این کتاب شریف که با بهره‌گیری از ادبیات بسیار زیبا و جذابی همراه شده است، به مخاطب کمک می‌کند تا با همزاد پنداری، خود را در جای دانشجویی قرار دهد که از نقطه‌ی صفر آغاز می‌کند و پله پله به سوی کشف حقیقت حرکت می‌کند و به خواننده یاری می‌کند تا در این فضای واقعی پرسش و پاسخ و جست‌وجو و تکاپو برای کشف حقیقت، برای تمامی سؤالات خود، پاسخی دقیق، عمیق و منصفانه پیدا کند.

۲. بیان تمثیلی و قابل فهم برای عموم مردم

در کتاب شریف هندسه‌ی عدالت، استاد با زبانی بسیار ساده و در عین حال بلیغ و ادبی به تک تک پرسش‌های مخاطب پاسخ می‌دهد و در این میان، از مثال‌هایی بسیار حکیمانه و به جا برای فهماندن موضوع بهره می‌برد. این شیوه‌ای عالمانه و روشی اسلامی است که در قرآن کریم به کرات توسط خداوند متعال به کار گرفته شده است. تأثیر این شیوه چه برای اهل علم و چه برای عوام مردم که مخاطب کتاب قرار می‌گیرند، بسیار زیاد است و می‌تواند در جا افتادن مطلب و عینی‌تر شدن آن در چشم خواننده کمک کند؛ مانند تمثیلی در فصل یکم کتاب که در آن دانشجوی سطحی‌نگر را که با بهره‌گیری از احساسات مقطعی به مشکلات جامعه‌ی خود نگاه می‌کند به مردی تشبیه می‌کنند که برادرش در حال غرق شدن است و او نگران خیس شدن پیراهن برادر خویش است؛ همچنانکه می‌فرمایند: «فریادهای تو به فریادهای مردی می‌ماند که برادرش در دریا غرق می‌شد و او در ساحل، بی‌تابانه تماشا می‌کرد و فریاد می‌زد: وای، پیراهن برادرم خیس شد!!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۱۲) تمثیلی بسیار زیبا که یادآور شعر شاعری است که می‌گوید:

«خواجه در بند نقش ایوان است

خانه از پای‌بست ویران است»

یا تمثیل دیگری که به زیبایی مشکلات مختلف جامعه را به دوایر متحد الشکلی تشبیه می‌کند که به صورت لایه لایه و در رابطه‌ی علی و معلولی از یک نقطه و علت تام و واحد سرچشمه می‌گیرند؛ دوایری که تو در تو قرار دارند و هر یک قائم بر دیگری هستند یا تمثیل حکیمانه و دقیق دیگری که دردمندان و دغدغه‌مندان و مصلحان کنونی در جوامع را به سرنشینان کشتی سوراخی تشبیه می‌کند که در حال غرق شدن است، ولی آنان به جای آن که در پی یافتن سوراخ کشتی باشند به کارهای

سطحی و بی‌فایده می‌پردازند؛ چنانکه می‌فرمایند: «آن‌ها سرنشینان کشتی سوراخی هستند که در حال غرق شدن است، اما به جای آن که سوراخ کشتی را بیابند و اصلاح کنند و جلوی ورود آب را از آن جا بگیرند، کاسه برداشته‌اند و با آن آب را بیرون می‌ریزند! غافل از آن که هنوز کاسه‌ای بیرون نریخته‌اند که صدچندان جای‌گزین آن می‌شود! آیا با این وصف نمی‌توان گفت که سعی بیهوده می‌کنند؟ این است که کشتی جامعه به تدریج فرو می‌رود و پس از مدتی در میان امواج سهمگین انحطاط، محو می‌گردد.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۱۶ و ۱۷).

۳. نظم و ترتیب اصولی و منطقی مطالب

کتاب هندسه‌ی عدالت از سیری کاملاً منطقی و طبیعی پیروی می‌کند. در فصل یکم کتاب، مخاطب یاد می‌گیرد باید عمیق و ریشه‌ای و نه صرفاً احساسی بیندیشد و مشکلات را ریشه‌یابی کند و در این مسیر باید هزینه پردازد و استقامت کند. مخاطب یاد می‌گیرد و متذکر می‌شود که مشکلات بسیاری در جامعه وجود دارد و این مشکلات باید به صورت لایه لایه و عمیق ریشه‌یابی شود. در فصل دوم از این کتاب شریف، استاد مانند جرّاحی حاذق به ریشه‌یابی مشکلات جامعه می‌پردازد و با بیانی دقیق و علمی ریشه‌ی اصلی مشکلات جامعه و جهان را نبود عدالت مطلق جهانی و آن را ناشی از عدم حاکمیت حاکم منصوب از جانب خداوند (خلیفه الله = مهدی) می‌داند. در فصل سوم، استاد پس از نقد و بررسی شیوه‌های تجویز شده و دیدگاه‌های موجود درباره‌ی علت اصلی مشکلات که در فصل دوم تبیین شد به بیان درست و عملی برای تحقق حاکمیت خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین و انجام پروسه‌ی عملی زمینه‌سازی برای ظهور در سه مرحله‌ی طلب، دعوت و نصرت می‌پردازد و با بیانی کاملاً علمی و مستدل دیدگاه‌های غلط و باورهای خرافی موجود نسبت به مسأله‌ی مهدویت را رد و دیدگاه‌های معقول و هماهنگ با نصوص قطعی دینی در این باره را تبیین می‌فرماید و در انتها به صورتی کاملاً روشن وظیفه‌ی یک انسان آزاده و مسلمان واقعی را به منظور تحقق عدالت بر روی زمین و تحقق حاکمیت خداوند و خلیفه‌اش بر روی آن به صورت کاملاً روشن و عینی تبیین می‌فرماید. بنابراین، کتاب سیری مشخص و از صفر تا صد را طی می‌کند و بدون هیچ پیش‌فرض و انگاره‌ای از قبل پذیرفته شده، پله پله به تبیین و ترسیم هندسه‌ی عدالت و منشور سعادت انسان‌ها و مسلمانان بر روی زمین می‌پردازد که این شیوه و نظم ذهنی، بسیار مفید و موثر و حکیمانه است.

۴. تعاریف دقیق و عمیق از مفاهیم بنیادین بر مبنای عقل و یقینات اسلامی

یکی از ویژگی‌های عجیب و منحصر به فرد کتاب شریف هندسه‌ی عدالت، تعاریف دقیق و بنیادینی است که استاد فرزانه در آن به مخاطب حق طلب و آزاده ارائه می‌دهد؛ مانند تعریف دقیق عدالت که

درباره‌ی آن می‌فرماید: «عدالت، تأمین همه‌ی نیازهای انسان به نحوی است که تأمین هیچ یک با تأمین دیگری منافات نداشته باشد و به تعبیر دیگر، فعلیت همه‌ی استعدادهایی است که در فرد فرد مردم به گونه‌ای متفاوت وجود دارد و برای هر فرد آن‌ها، <حق> ایجاد می‌کند؛ حقی منحصر به فرد که می‌توان آن را <حق شدن> نامید» (هندسه‌ی عدالت، ص ۲۴) و تعریف انسان محروم که درباره‌ی آن می‌فرماید: «انسان محروم انسانی است که نیازهای حقیقی‌اش تأمین نشده و به عبارت دیگر، استعدادهایش به فعلیت نرسیده است.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۲۴) و تعریف حکومت به معنای عام که درباره‌ی آن می‌فرماید: «نیاز به نیروی اشراف و سلطه (= حکومت) از مهم‌ترین نیازهای مردمی است که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۳۰ و ۳۱) و تعریف حکومت به معنای خاص که درباره‌ی آن می‌فرماید: «اگر عدالت، قرارداد هر چیز و هر کس در جای خود است، مسلماً حکومتی می‌تواند آن را تحصیل کند که از یک سو، هر چیز و هر کس و از سوی دیگر جای هر چیز و هر کس را در نظام هستی بداند و توان این جابه‌جایی را داشته باشد و از اشتباه در آن مصون باشد.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۳۲) و تعریف انسان کامل که درباره‌ی آن می‌فرماید: «انسان کامل در تعریف من، انسانی طبیعی است که همه استعدادهای وجودی‌اش در ارتباط با خود، جامعه و وراثت، فعلیت یافته است و نسبت به طبیعت، هماهنگی کامل دارد و هیچ بُعدی از ابعادش با هیچ بُعدی از ابعاد نظام هستی، تعارض نمی‌یابد و در اثر صعود به مراتب وجود و ارتباط با خالق هستی، بر همه چیز و همه کس مشرف است. البته منظورم آن نیست که او مانند خداوند، تقصیلاً و بالفعل به همه چیز و همه کس، احاطه دارد؛ زیرا چنین احاطه‌ای برای او، از آن حیث که بشری مانند ماست، نه ممکن و نه لازم است. بل منظورم این است که او با شناخت کامل از احکام و حدود الهی و بهره‌مندی از الهام و امدادهای غیبی، به حسب مورد به هر چیز و هر کس و جای هر چیز و هر کس در نظام هستی، هدایت می‌شود و توانایی لازم برای جابه‌جا کردن آن را می‌یابد و با اطاعت کامل از خداوند در پرتو تقوایی عالی و دوری از قیاس باطل، از اشتباه در آن مصون می‌ماند و این یک امر ممکن و ضروری است.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۵۱ و ۵۲). این‌ها همه تعاریفی بسیار دقیق، متقن، علمی و بنیادین است که پس از قرن‌ها فترت و فاصله گرفتن مردم از دوران دسترسی به حکمت‌های ناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرین علیهم السلام ارائه می‌گردد و در واقع بازتعریف مبانی اصیل فطری و اسلامی است و هر کدام از این تعریف‌های عمیق در جای خود محل شرح و تأمل و تدریس و توضیح فراوان است که ان شاء الله در جای خود به قدر وسع انجام خواهیم داد.

۵. تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه‌ی دقیق از موضوعات مطرح در کتاب

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته‌ی کتاب شریف هندسه‌ی عدالت، تحلیل‌های عمیق و دقیق

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در پاسخ به سؤالات مخاطب است؛ تحلیل‌هایی بسیار روشن، عمیق و علمی که موضوع بحث را به صورت کاملاً ریشه‌ای و اکاوی می‌کند و پس از احصاء دقیق عوامل مؤثر در آن به نتیجه‌گیری و پی‌گیری بحث می‌پردازند؛ مانند تحلیلی که از مشکلات جامعه و تأثیر و تأثر آن‌ها بر روی یکدیگر دارد و می‌فرماید: «مشکلات جامعه، به هیچ روی مستقل و جدا از هم نیستند؛ بلکه به صورت زنجیره‌ای متصل، حلقه در حلقه‌ی یکدیگر دارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۱۴) و تحلیل دقیقی که از نیازهای حقیقی متعّد مردم در طول تاریخ ارائه می‌دهد و می‌فرماید: «این نیازها که تحت تأثیر <طبیعت>، <وراثت>، <خود> و <جامعه> شکل گرفته‌اند، در واقع استعدادهای مردم هستند که باید به فعلیت برسند» (هندسه‌ی عدالت، ص ۲۴) و تحلیل عمیق و مهمی که از ویژگی‌های عدالت ارائه می‌دهد و آن را مطلق و جهان‌شمول می‌شمارد: «عدالت نسبی، وجود حقیقی ندارد، بلکه صرفاً اعتباری است. آنچه وجود حقیقی تواند داشت، <عدالت مطلق> است. اساساً <عدالت> و <نسبی> متضاد هستند، منافات دارند و یکدیگر را نقض می‌کنند؛ مثل آن که در یک ترکیب وصفی بگویی: <زیبای زشت>!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۲۶) و می‌فرماید: «از یک سو بخش‌بندی‌های جهان اعتباری است و آن چه حقیقت دارد، <نظام واحد جهانی> است و از سوی دیگر، هیچ یک از به اصطلاح بخش‌های جهان، جدا از یکدیگر نیست؛ بلکه در یک نظام تأثیر و تأثر، به یکدیگر پیوسته و وابسته‌اند. بنابراین، عدالت حقیقی، <عدالت مطلق جهانی> است و این حقیقتی است که جای هیچ تردیدی در آن نیست.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۲۷) و تحلیل دقیقی که از نحوه‌ی تحقق عدالت مطلق جهانی و قرار گرفتن هر کس در جای خود ارائه می‌دهد و می‌فرماید: «هر کس در جامعه‌ی جهانی برای خود جایی دارد که اندازه‌ی اوست و اندازه‌ی غیر او نیست، با توجه به این که امکان ندارد دو نفر، از حیث نیازمندی و استعداد، کاملاً نظیر یکدیگر باشند. حال، اگر هر فرد، فعلیت تام پیدا کند و در جای خود قرار بگیرد، جزئی از عدالت مطلق را ساخته است و اگر فعلیت تام پیدا نکند یا در جای خود قرار نگیرد، یک خلأ اجتماعی به وجود می‌آورد که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند آن را پر کند. این است که گفته‌اند: <عدالت، قراردادن هر چیز در جای خود است.>» (هندسه‌ی عدالت، ص ۲۸) و تحلیل دقیقی که از حکومت تأمین کننده‌ی عدالت مطلق جهانی ارائه می‌دهد و می‌فرماید: «مسئله حکومتی می‌تواند آن را تحصیل کند که از یک سو، هر چیز و هر کس و از سوی دیگر جای هر چیز و هر کس را در نظام هستی بداند و توان این جابه‌جایی را داشته باشد و از اشتباه در آن مصون باشد. بدیهی است که بدون حکومتی با این ویژگی‌های چهارگانه، هیچ امکانی برای تحقق عدالت مطلق وجود نخواهد داشت و این ویژگی‌های چهارگانه همان اشراف و سلطه‌ی حقیقی بر نظام هستی است که اولاً و بالذات جز برای خالق آن ممکن نیست.»

(هندسه‌ی عدالت، ص ۳۲) و تحلیل روشن و انقلابی و حکیمانه‌ای که در یکی از قله‌های معارف کتاب شریف هندسه‌ی عدالت درباره‌ی علت اصلی مشکلات جامعه ارائه می‌دهد و می‌فرماید: «علّت اصلی و دایره‌ی مرکزی مشکلات جامعه، فقدان حکومت انسان کامل بوده و همه‌ی محرومیت‌ها از این نقطه برخاسته است» (هندسه‌ی عدالت، ص ۳۵) و نیز می‌فرماید: «مشکل مردم ما و مردم دنیا محرومیت از حکومت انسان کامل است؛ مشکلی که نمی‌توان آن را یک مشکل نامید؛ بلکه فاجعه‌ای دردناک و خلّائی که هیچ‌چیز جبرانش نمی‌کند؛ مصیبتی کمرشکن و غیر قابل ارزیابی. مشکل امت‌ها، حکومت این فرد یا آن فرد نیست تا با کنار زدن یکی و آوردن دیگری، آن را برطرف کنند. مشکل امت‌ها و جوامع انسانی، فقدان کسی همچون علی است. مشکل دنیا <بی‌مهدی بودن> است.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۳۵ و ۳۶) و تحلیل جالب و دقیقی که از تلاش‌های بی‌حاصل برای تأمین عدالت و حلّ مشکلات جامعه بدون قرار دادن خلیفه‌ی خداوند در جای خود صورت می‌گیرد و می‌فرماید: «کسانی که به جای قرارداد دادن انسان کامل در جای حکومت، به دنبال راه دیگری برای رسیدن به عدالت هستند، در واقع ماشین از کار افتاده‌ی خود را به جای تعمیر، به سوی مقصد هل می‌دهند! اما مقصد آن‌ها دورتر از آن است که بتوانند این‌گونه به آن برسند. این‌ها ناگزیر دیر یا زود، نفس‌نفس‌زنان از پای در می‌آیند و به اصطلاح، در میانه‌ی راه <کم می‌آورند!>» (هندسه‌ی عدالت، ص ۳۶). تمام این تحلیل‌های عمیق و روش‌مند با تکیه بر اصول عقلایی و مطابق با منابع نقلی یقینی، اتقانی عظیم به کتاب شریف هندسه‌ی عدالت می‌بخشد. بسیار و بسیار جای شگفت و تحسین و تبجیل دارد که عالم فرزانه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی این همه معارف و تحلیل‌های ناب را تنها در حجمی کوتاه از کتابی هفتاد و چند صفحه‌ای ارائه داده‌اند، در حالی که قرن‌هاست، عالم‌نمایانی جاهل و ریاکار با وجود حرّافی‌های بسیار نتوانسته‌اند تحلیلی دقیق و علمی از مسأله‌ی عدالت و راهکار تحقق حاکمیت حضرت مهدی ارائه دهند و تنها با کلی‌گویی و بیان سخنانی که تأمین‌کننده‌ی منافع مستکبران سیاست‌باز است، وقت و نیرو و سرمایه و جان‌های مردمان را به هدر داده‌اند.

۶. نقدهای بنیادین و انقلابی به باورهای کاملاً پذیرفته شده و به ظاهر مسلم

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی خصوصاً در فصل آخر کتاب شریف هندسه‌ی عدالت که فصلی مهم و تعیین کننده است و در واقع ثمره‌ی محصلی برای فصول گذشته شمرده می‌شود، بدون تعصب و توجه به پیش‌فرض‌های مقبول اکثریت عالمان و مسلمانان در نزد فرق مختلف اسلامی، با کنار زدن پرده‌های خرافات و جهل و سیاست‌بازی و منفعت‌طلبی به بیان حقیقت گم‌شده و فراموش شده می‌پردازد. به عنوان نمونه، این پیش‌فرض همگانی را که تحقق

حاکمیت انسان کامل برای مردمان ممکن نیست و آن صرفاً در اختیار خداوند است و مردم را در آن نقشی نیست کاملاً رد می‌کند و با بیانی صریح و انقلابی می‌فرماید: «آنچه مردمان را به منازعه بر سر قدرت کشانده، دانسته یا نادانسته، این پیش‌فرض بوده است که تحقق حاکمیت انسان کامل، برای آنان ممکن نیست و در نتیجه، چاره‌ای ندارند جز اینکه حاکمیت دیگری را به وجود آورند. البته تردیدی نیست که اگر پیش‌فرض آنان درست باشد، نتیجه‌ای که گرفته‌اند درست است، ولی همه‌ی سخن من در این است که آیا پیش‌فرض آنان درست است؟! یعنی آیا واقعاً تحقق حاکمیت انسان کامل، برای مردم ممکن نیست؟! آیا هیچ راهی به آن برای آنان وجود ندارد؟! این مسأله چه اندازه مورد بررسی آنان قرار گرفته که به یک پیش‌فرض همگانی تبدیل شده است؟!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۲) و در پاسخ به تعجب دانشجو و مسلم شمردن این پیش‌فرض می‌فرماید: «چه طور نیازی به بررسی نداشته در حالی که کلید عدالت مطلق جهانی و مهم‌ترین مسأله‌ی بشر و زیربنای مشروعیت همه‌ی حکومت‌های جهان بوده است؟! اصلاً چه طور برای همگان مسلم بوده در حالی که هنوز بررسی نشده است؟!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۲) و در پاسخ به سؤالات متحیرانه و متعجبانه‌ی دانشجو که نمادی از سؤالات و پیش‌فرض‌های تمام امت است که به دنیا نیامدن مهدی (طبق دیدگاه رایج اهل سنت) یا غیبت مهدی (طبق دیدگاه رایج اهل تشیع) را در هر حال ناشی از خواست ابتدایی خدا و اقتضای مصلحت و خارج از اختیار مردم می‌داند و به سخن آقای خمینی، رهبر انقلاب سال ۵۷ ایران، اشاره می‌کند که می‌گفت «ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضاء نکند که حضرت تشریف بیاورد. در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟... هرج و مرج است؟» (خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ص ۳۰) استاد در پاسخ به این بیانات دانشجو با بیانی انقلابی و اعتراض‌آمیز می‌فرماید: «آنچه حکومت انسان کامل را از فهرست نظام‌های سیاسی واقعی حذف کرده، این توهم بی‌اساس بوده است که حکومت او برای مردم دست‌یافتنی نیست یا به عبارت دیگر، تحقق آن در اختیار مردم نیست! اما به راستی چرا؟! به چه دلیل؟! با کدامین مدرک علمی، تحقق حاکمیت او برای مردم غیرممکن به شمار رفته و در کدامین منبع دینی، از مردم درباره‌ی آن سلب مسئولیت شده است؟! آیا این چیزی جز یک توهم شوم و اشتباه بزرگ از قبیل صدها توهم شوم و اشتباه دیگر بوده که در میان مردم جا افتاده و نهادینه شده است؟!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۳) و در پاسخ به اشتباهات و دیدگاه‌های بدعت‌آمیز و نادرست اهل سنت درباره‌ی پیدایش مهدی می‌فرماید: «پیدایش مهدی، یک امر اتفاقی و تابع قانون احتمالات نیست، بلکه یک تدبیر الهی و تابع سنت‌های غیرقابل تبدیل خداوند است که در ظرف زمانی مناسب انجام می‌شود و ظرف زمانی مناسب برای آن نیز وقتی است که مردم، آمادگی و پذیرش لازم برای حاکمیت او و تحقق عدالت مطلق جهانی را داشته باشند، و گرنه وجود مهدی برای آنان با عدمش برابر خواهد بود.»

(هندسه‌ی عدالت، ص ۴۴) و می‌فرماید: «مسئلاً برای تحقق حاکمیت مهدی و عدالت مطلق جهانی، تنها وجود مهدی کافی نیست و اطاعت کامل مردم از او نیز شرط است. بنابراین، تا هنگامی که مردم برای اطاعت کامل از او آماده نشده‌اند، امکان ندارد که خداوند او را بیافریند و اگر فرضاً او را بیافریند نیز امکان ندارد که او را برای مردم ظاهر گرداند؛ چراکه در این صورت احتمالاً او را خواهند کشت.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۴) و در پاسخ به دیدگاه‌های خرافی و دور از واقعیت شیعه درباره‌ی تحقق حاکمیت مهدی که آن را خارج از اختیار مردم می‌دانند می‌فرماید: «چرا دست یافتن به قدرت سیاسی که برای ما ممکن است، برای او ناممکن باشد؟! مگر در این جهت، چه فرقی میان او و ما وجود دارد؟! مگر او از ما به این کار تواناتر نیست؟! مگر او از ما به این کار مشتاق‌تر نیست؟!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۵) و با بیانی شیوا و زیبا می‌فرماید: «امروز دست‌یافتن به حکومت، برای هر چوپانی ممکن است، چگونه برای انسان کامل امکان ندارد؟! مگر هرگاه مردم با اراده‌ی جدی و عمومی، خواستار به قدرت رسیدن یک <انسان> شده‌اند و برای این منظور دست به انقلاب زده‌اند، آن انسان به قدرت نرسیده و حاکمیت سیاسی نیافته است؟» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۵ و ۴۶) و زمینه‌های لازم برای تحقق حاکمیت حضرت مهدی را امری عادی و طبیعی می‌داند و می‌فرماید: «بله، تشکیل حکومت او نیاز به زمینه‌هایی دارد، اما مگر تشکیل هر حکومت دیگری زمینه نمی‌خواهد؟! مگر حکومت‌های فعلی، بدون زمینه شکل گرفته‌اند؟! مگر تمام انقلاب‌های تاریخ بشر، چیزی جز زمینه‌سازی برای حکومت‌های مختلف بوده است؟! تردیدی نیست که انسان کامل، به عنوان انسانی زنده و آگاه، از این قاعده مستثنا نیست و مانند دیگران می‌تواند پس از تحقق شرایط مناسب سیاسی و اجتماعی، دولت تشکیل دهد.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۶) و در میان غوغای قدرت‌طلبی‌ها و نزاع‌های خونین سیاسی صادقانه ندا می‌دهد: «اگر مردم، آن اندازه که برای روی کار آوردن این و آن تلاش کردند برای روی کار آوردن انسان کامل تلاش می‌کردند، هم‌اکنون او در کار بود! اما مشکل اینجاست که مردم پشت خود را به هر کس سپردند و دست خود را به انسان کامل ندادند! هنوز هم پس از صدها سال، گروه‌ها و جریان‌های مختلف در سرزمین‌های گوناگون، هر یک خود را به بهانه‌ای سزاوارتر از دیگران می‌دانند و تلاش می‌کنند ضمن از بین بردن دیگران، حکومت را برای خود تصاحب کنند!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۶ و ۴۷) و بر سر قدرت‌طلبان سرمست و خائن دنیاپرست و افراد متوهم و خرافی فریاد می‌زند: «آن‌ها هرگز شناخت درستی از مقوله‌ی غیبت و ظهور مهدی نداشته‌اند. آن‌ها مهدی را یک موجود عجیب و دست‌نیافتنی پنداشته‌اند که جدا از جامعه، در جزیره‌ای خضراء میان بحری ابیض نشسته است و منتظر است <مصلحت اقتضا کند> تا ظهور نماید! موجود غیرعادی و دور از دسترسی که باید مانند قهرمانان افسانه‌ای، سوار بر اسبی سفید، ناگهان از لامکانی دور و اسرارآمیز که کسی نمی‌داند کجاست، بیاید و بشر را نجات دهد و

برود! چنین تصویری از انسان کامل، بسیار خیالی و کودکانه است.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۷ و ۴۸) و با ردّ برداشت‌های بدعت‌آمیز شیعیان و اهل سنت درباره‌ی مهدی می‌فرماید: «از اینجا دانسته می‌شود که برداشت هر دو دسته از مسأله‌ی مهدی، با حکم عقل و آموزه‌های اسلام ناسازگار است. چنین برداشتی به معنای دقیق کلمه، یک <بدعت> بوده و هیچ اصلاتی در دین نداشته و تنها با منافع حاکمان مستکبر و سیاست‌بازان قدرت‌طلب، سازگار بوده است و می‌بینی که اتفاقاً همان‌ها پدیدآورنده یا پرورش‌دهنده‌ی این برداشت انحرافی بوده‌اند!» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۸) و در تحلیل و نقدی زیبا علت پرورش این انحرافات را چنین می‌فرماید: «چراکه اگر مردم، امکان حاکمیت انسان کامل و تحقق عدالت مطلق با دست خود را باور کنند، دیگر مشتری برای دکان آن‌ها باقی نمی‌ماند؛ بلکه جواز کسب آن‌ها لغو خواهد شد و دیگر هیچ توجیهی برای حکومتشان نخواهد بود.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۸) و با آهی عمیق و افسوسی سرد درباره‌ی مردم می‌فرماید: «مردم قربانی مفلوک جهل اعصارند. حکومت‌های شرق و غرب، آن‌ها را فریب داده‌اند و از حکومت انسان کامل به خود مشغول کرده‌اند؛ هم چنان که سراب، تشنه را فریب می‌دهد و پستانک، کودک را از پستان مادر مشغول می‌کند.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴۹) و درباره‌ی تقصیر علما و صاحب‌نظران مسلمان در این باره می‌فرماید: «علماء و صاحب‌نظران مسلمان، در طول این قرون و اعصار متمادی، هرگز نگاه صحیحی به مسأله‌ی انسان کامل نداشته‌اند. آن‌ها هرگز درک نکرده‌اند که غیبت یا فقدان مهدی، یک امر جبری و غیرقابل تغییر و بی‌ارتباط با مردم نیست، بلکه معلول طبیعت وضعیّت مردم است و با تغییر وضعیّت آن‌ها، قابل تغییر است.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۵۰) و با ردّ اندیشه‌های انحرافی و خرافی و کودکانه‌ی گروه‌هایی نظیر انجمن حجّتیّه می‌فرماید: «راه ما در همین گام نخست از راه آن‌ها جدا می‌شود؛ زیرا آن‌ها می‌گفتند که ما باید <بنشینیم> و من می‌گویم باید <برخیزیم>. آن‌ها می‌گفتند که مهدی باید <ظهور> کند و من می‌گویم که ما باید <إظهار> کنیم. میان باور آن‌ها و عقیده‌ی ما، هم در مبانی نظری و هم در نتایج و کارکردها، <تفاوت از زمین تا آسمان است>. نگرش آن‌ها <توقّف> ایجاد می‌کند و نگرش ما <حرکت>. باور آن‌ها به <رکود> و <تجبر> می‌انجامد و باور ما به <جریان> و <تطور>.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۵۴ و ۵۵) و با ردّی دقیق و روشن‌گرانه بر ادّعاها و اندیشه‌های فاسد و انحرافی گروهک‌هایی امثال داعش و آنان که به ولایت، امامت و خلافت کسی جز مهدی دعوت می‌کنند، می‌فرماید: «تردیدی نیست که ویژگی‌های حکومت از وحدت آن مهم‌تر است؛ بلکه وحدت آن بدون ویژگی‌های چهارگانه، هرچند از جهتی بهتر است، از جهاتی دیگر می‌تواند بدتر باشد و زیان‌های بیشتری برساند؛ زیرا به معنای تمرکز ناعادلانه‌ی قدرت و تحقق استبداد سیاسی و به تعبیری یک‌تازی ظالم بدون منازعه و مزاحمت دیگران است که چه بسا به ظلم بیشتری می‌انجامد و با این وصف، دعوت به آن، کاری خطرناک و نامعقول است.

از اینجا دانسته می‌شود که هرگونه دعوت به حکومتی واحد بدون تأکید بر انحصار آن به مهدی، فریبنده و انحرافی است و قرابتی با مبنای من ندارد.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۵۶) و درباره‌ی انحرافی‌ترین و زیان‌بارترین توهّم درباره‌ی انسان کامل می‌فرماید: «انحرافی‌ترین و زیان‌بارترین توهّم درباره‌ی انسان کامل، این بوده است که <او باید بیاید>. در حالی که او نباید بیاید، بلکه <مردم باید بیایند>؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: <امام مانند کعبه است: به نزد او می‌آیند و او به نزد کسی نمی‌آید> و خطاب به خلیفه‌ی خود علی می‌فرماید: <تو به منزله‌ی کعبه هستی که به سراغ او می‌آیند و او به سراغ کسی نمی‌آید. پس اگر مردم به سوی تو آمدند و حکومت را به تو سپردند از آن‌ها بپذیر و اگر به سراغ تو نیامدند به سراغ آن‌ها نرو تا آن گاه که به سراغ تو بیایند>» (هندسه‌ی عدالت، ۵۸ و ۵۹) تردیدی نیست که تبیین این نقدها و تحلیل‌های عمیق و انقلابی گامی بسیار مهم در جهت روشن‌گری و آگاهی‌رسانی به مردم در زمان غیبت خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین است و اگر روشن‌گری‌های انقلابی این عالم مجاهد به درستی تبیین و تبلیغ شود، نقش عمده‌ای در مبارزه با باورهای شیطانی رسوخ یافته در طول صدها سال توسط حکومت‌ها در میان مردم خواهد داشت و اَمّت خفته و غرق شده در میان انبوه خرافات و تعصّبات و جهل‌ها را بیدار خواهد کرد و در جهت تحقّق حاکمیت خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین و تأمین زمینه‌های لازم برای این امر آماده خواهد ساخت ان شاء الله.

۷. ارائه‌ی راهکار و برنامه‌ی عملی در جهت زمینه‌سازی برای ظهور و حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام و تحقّق عدالت مطلق جهانی بر روی زمین

کتاب شریف هندسه‌ی عدالت را همان گونه که در مقدمه‌ی این کتاب شریف ذکر شده است، «از جهات مختلفی می‌توان مکمل کتاب <بازگشت به اسلام> یا طرحی جامع برای عملیاتی کردن آن دانست؛ چراکه با متانت و اتقانی فوق‌العاده، استراتژی انقلاب جهانی را تبیین می‌کند و نقشه‌ی راه زمینه‌سازی برای حاکمیت مهدی را به تصویر می‌کشد و فرایند گذار از عصر تاریک ستم به دوران درخشان عدالت را مرحله به مرحله توضیح می‌دهد.» (هندسه‌ی عدالت، ص ۴) این ویژگی از ویژگی‌های مهم این کتاب ارزشمند است؛ چراکه صرفاً به بیان گزاره‌های نظری و سخنان کلی بسنده نکرده، بلکه پس از توجّه دادن به ضرورت نگاه عمیق به مشکلات و ریشه‌یابی آن‌ها، تحلیل و بررسی مشکلات جامعه و جهان، یافتن مشکل اصلی که همانا عدم حاکمیت خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین است، به بیان راهکار عملی برای تحقّق عدالت مطلق جهانی و حلّ مشکلی اصلی جهان می‌پردازد و در سه مرحله‌ی دقیق و منطبق با عقل و نقل که عبارت است از «طلب»، «دعوت» و «نصرت»، مسلمانان را به طور عینی و شفاف، به زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی دعوت می‌کند

و با تشریح جزئیات هر یک از این سه مرحله‌ی اساسی، نقشه‌ی راه زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی را تبیین و تشریح می‌فرماید. ایشان در ادامه، جایگاه مهم و استراتژیک رهبری در پروسه‌ی زمینه‌سازی و نحوه‌ی رساندن حضرت مهدی به حکومت و شیوه‌ی هماهنگی و همکاری و تنظیم روابط بین نیروهای انقلاب زمینه‌سازی و رسالت زمینه‌سازان حقیقی ظهور و آزادگان و حق‌طلبان و مسلمانان حقیقی را بیان می‌فرماید و بدین‌سان به طور کامل حجت بر مسلمانان تمام می‌گردد؛ چرا که در این گنجینه‌ی گران‌بها به صورتی کاملاً روشن، تکلیف و وظیفه‌ی آنان در قبال امام مسلمین و خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین، تبیین گردیده است و می‌بایست با درک عمیق این پیام الهی و تبلیغ و ترویج آن و عمل به مضامین و لوازمش در عین پرداختن هزینه‌های لازم برای آن به وظیفه‌ی عقلی و شرعی خود عمل نمایند تا در دنیا و آخرت روسپید و سربلند گردند و طعم شیرین عدالت حقیقی را بچشند و آن را برای فرزندان خود و نسل‌های آینده به میراث گذارند.

در انتهای این نوشتار، خداوند بزرگ را بسیار سپاس می‌گوییم که توفیق داد این گنج عظیم را درک کنیم و به سخن گفتن درباره‌ی آن و عمل کردن به آن بپردازیم.

به یاری خداوند در نوشتارهای بعدی، درباره‌ی این گوهر معرفت بیشتر سخن خواهیم گفت ان شاء الله.

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «فجر صادق پس از غروبی غمناک و طولانی؛ یادداشتی بر کتاب بازگشت به اسلام اثر منصور هاشمی خراسانی»

۲. مقاله‌ی «چرا سکوت؟ پرسشی از فرهیختگان مسلمان»

۳. مقاله‌ی «حق‌شناسان در گیر و دار ترس و وظیفه»

